

محترم انجنير صديق قيام

مصاحبه اختصاصی با محترم انجنير صديق قيام،
دانشمند گرانقدر، هنرمند مجرب و چهره شناخته
شده هنرء موسیقى افغانستان

مصاحبه کننده : انجنير عبدالقادر مسعود

محترم انجنیر صدیق قیام یکی از چهره های برازنده، توانمند و درخشان دنیای علم و هنرموسیقی وطن عزیز ما میباشد، که بیشترین سالهای زندگی خود را در تحقیق و پژوهش در عرصه علم و هنر موسیقی وقف نموده است.

محترم صدیق قیام ابتدا در جهت فراگیری هنر موسیقی از نوازندگی آلات موسیقی به این هنر رو آورد. بعداً آهسته آهسته بوسیله کورسهای موسیقی به آواز خوانی آهنگهای پشتو و دری پرداخت.

قیام صاحب مطابق عنعنه موسیقی دانان حرفوی نزد استاد رحیم بخش زانوی شاگردی زده و در فراگیری خوبتر و بهتری اساسات هنرموسیقی پرداخت.

استاد مددی هنرمند مبتکر، چهره شناخته شده، مشعلدار هنرموسیقی و یکی از نخبه گان دنیای ادب و فرهنگ کشور ما در مورد شخصیت علمی و هنری محترم صدیق قیام در یکی از نوشته های خود چنین مینگارد:

((در مورد جناب انجنیر صدیق قیام باید بگویم که ایشان یک فرهنگی فرهیخته و یک دانشمند چند بعدی میباشد که در حال حاضر نه تنها در عرصه انجینیری ساختمان یک مهندس تحصیل یافته و خدمت نشان داده میباشد بلکه در زمینه های گوناگون هنر موسیقی از جمله پیش کسوتان این هنر بشمار میروند. جناب ایشان آواز خوانی کرده اند، نوازنده خوبی بعضی از آلات موسیقی افغانی میباشد، در فراگیری اساسات موسیقی افغانی نزد استادان از جمله استاد رحیم بخش شاگردی کرده اند و خود برای تشنه گان هنر موسیقی نقش آموزگار را بازی نموده اند و بلاخره در جهت تحقیق و پژوهش در زمینه های موسیقی شرقی و غربی همتی فراوان به خرچ داده اند و آثاری ارزشمندی را به جامعه هنری تقدیم نموده اند چنانچه کتاب (از صدا تا آهنگ) یکی از آثاری بزرگ و ماندگار این نظامی هنرمند برومند افغانستان بشمار میرود.

از خدای بزرگ (ج) طول عمر، صحت، سعادت و پیروزی های بزرگتری برای ایشان آرزومندم.))

این مشعلدار هنر موسیقی، آواز خوان توانا، مبتکر و زنده دل با عشق و علاقه که به هنر موسیقی داشت در پهلوی مصروفیتها و کار های مسلکی و تخصصی خود در عرصه انجینیری ساختمان در اوقات فراغت با مشق و تمرین آهنگهایش از طریق کورسهای موسیقی در جهت فراگیری علمی و مسلکی هنرموسیقی شرقی و غربی میپرداخت، همین دلیل بود که آهنگهایش از طراوت و زیبایی خاصی برخوردار گشت.

محترم صدیق قیام علاقه خاص و استعداد سرشاری که به هنر موسیقی داشت توانست با مطالعات و تحقیقات مسلکی درین عرصه، مقالات و آثاری ارزشمند، معتبر و مفیدی به خاطر فراگیری علمی و مسلکی هنر موسیقی تهیه نماید و به دسترسی علاقمندان این هنر قرار دهد.

محترم داکتر ببرک ارغند که یکی از دانشمندان فرهیخته، نویسنده گرانقدر، ژورنالیست آگاه و ورزیده، داستان نویس و نمایشنامه نویس ممتاز کشور ما است در مورد شخصیت علمی و فرهنگی محترم صدیق قیام چنین مینویسد:

((قوگی زیر خاکستر.

جناب صدیق قیام را نباید دست کم گرفت. ایشان با آگاهی، تواضع و بردباری که دارند، جایگاه بلندی را در دنیای سحر آمیز موسیقی و در میان خنیاگران محبوب کشور به خود اختصاص داده اند. ایشان ارزشهای نادری را با سروده ها و آفرینشهای هنری و پژوهشهای علمی خویش به علاقمندان هنر موسیقی عرضه نموده اند. شاگردان زیاد و گران قدری پرورده اند و تألیفات و فراهم آوریهای با ارزشی در عرصه خنیاگری و موسیقی و صدا و آهنگ خلق کرده اند. همانگونه که انجیری مستعد و پرکار هستند به همان اندازه در تاریخ موسیقی و خنیاگری نیز دست بلند دارند. ایشان صاحب کتاب ورجاوند «از صدا تا آهنگ» استند و کمتر کسی یافته میشود که این عزیز را دوست نداشته باشد. جناب صدیق قیام عزیز ماست. قوگیست که زیر خاکستر مشتعل است.))

او توانسته است دانش، افکار، تجارب و اندوخته های علمی و مسلکی خود را بدون تعصب، کینه و حسادت از جان و دل به هم میهنانش و به علاقمندان هنر موسیقی تقدیم نماید.

محترم استاد داکتر صادق فطرت ناشناس که یکی از مشعلداران هنرموسیقی، هنرمند توانا و پرآوازه، دانشمند فرزانه و از نخبگان پرتلاش و ورزیده دنیای شکوهمند ادب و فرهنگ ما است در مورد شخصیت علمی و هنری محترم صدیق قیام در یکی از نوشته های خود چنین مینگارد:

((بناغلی انجنیر صدیق قیام ز مور د موسیقی د معاصر تاریخ په ډگر کې هغه تکره او پیژندل شوي علمی او هنري څیره ده چې د افغاني اصیلي موسیقی په برخه کې یې په خپل توان او امکاناتو سره نه ستریکیدونکې هلې ځلې کړې دي.

د ده د هڅو او زیار په وسیله د موسیقۍ د علمي او مسلکي ودې، پرمختګ او پراختیا په برخه کې ګټور اثار او د پام وړ علمي او مسلکي پنځونې، تحقیقات او څیړنې تر سره شوي دي، چې دا علمي او مسلکي اثار اوسنیو او راتلونکو نسلونو ته د میراث په توګه یوه ستره شتمني او پانګه ده او له بلې خوا د محقیقینو او څیړونکو لپاره د هر اړخیزو معلوماتو په اړه داسې امکانات برابرې چې دوی به وکولای شي د خپلې علمي او هنري پنځونو او څیړنو لپاره له دغو اثارو څخه د یو ماخذ په توګه اغیزمنه ګټه پورته کړي.

ده په خپلو اثارو کې د افغاني اصیلې موسیقۍ ستر هنرمندان، سندرغاړي، د موسیقۍ آلات او د موسیقۍ د آلاتو غږوونکي، د افغاني موسیقۍ په بیلابیلو برخو کې هر اړخیزه معلومات او همداسې د شرقي او غربي موسیقۍ په اساساتو، علمي او مسلکي څیړنې تر سره کړې دي. زه دا ویار لرم چې د بیلابیلو نورو اثارو تر څنګ د ده د اثارو څخه او په ځانګړې توګه د ده د یو ګټور اثر څخه چې (از صدا تا آهنگ) نومېږي او د افغاني موسیقۍ په تاریخ کې یو غوره لارښود او ارزښتناک اثر دی، هم ګټه پورته کړیده.

بناغلی قیام هغه تکړه او نوښتګر هنرمند دی چې له تعصب او کرکې پرته یې د موسیقۍ د هنر په برخه کې خپلو ملګرو او دوستانو ته تجربې، علمي او مسلکي زده کړې لیردولي دي. دی د موسیقۍ د هنر په ډګر کې ډیر شاگردان لري، خو زه غواړم د بیلګې په توګه د ده د موسیقۍ د هنر د یو تاند او ځلانده ځوان شاګرد فرهاد دریا نوم ونیسم.

ده د موسیقۍ د هنر په برخه کې ستر نوښتونه تر سره کړي دي.

فرهاد دریا هغه تکړه او خوږې هنرمند دی چې د خپلو کمپوزونو لپاره د اشعارو په انتخاب کې ځانګړی استعداد او مهارت لري.

ده خپل آهنگونه او سندرې په ډیر عالي کچه ویلي دي او په ډیر ظریفانه بڼه یې په ښکلو قالبونو کې ځای په ځای کړي دي.

دی هغه پیژندل شوی هنري څیره ده چې د خپل هیواد او هیوادوالو سره ژوره مینه لري. ده په خپلو سندرو کې له ژبني او قومي تعصباتو پرته د ملي وحدت، وطني عواطفو، انساني او اخلاقي احساساتو پیغامونه په ډیر ظریفانه توګه انځور کړي دي.

زه بناغلي صدیق قیام ته د پاک الله څخه د لا زیاتو هستونو، بریوو او غوړیدو په هیله
(پ.م.)

محترم صدیق قیام، صاحب زندگی پرافتخار علمي، مسلکي و هنري میبانشد، استعداد سرشار، توانایی فوق العاده علمی و هنری او، باعث شده که در بین دوستان خود از احترام، مقام و منزلت خاصی برخوردار گردد.

محترم صدیق قیام یک انسان مهربان، مؤدب، متواضع، صمیمی، با دانش، شجاع و حقیقت گو است.

به خاطر معرفی بیشتر این هنرمند عزیز، مرد سخن و ادب با او مصاحبه اختصاصی انجام داده ام که توجه شما دوستان علم، ادب و هنر موسیقی را به آن جلب مینمایم. قیام صاحب عزیز احترامات مرا بپذیرید، اجازه دهید به پرسشها آغاز نمایم.

آقای مسعود!

تشکر از شما من هم به شما و از طریق شما به تمام هموطنان عزیز خود در داخل و خارج از کشور سلامهای خود را تقدیم می نمایم، و در خدمت شما هستم.

پرسش : محترم قیام صاحب شما به حیث هنرمند معروف، شخصیت برازنده و مبتکر دنیای علم، و هنرموسیقی معرفی هستید. بگذار یک بار دیگر هموطنان ما در داخل و خارج از سرزمین باستانی و مدنیت پرورما با شما بیشتر آشنا شوند.

پس مهربانی نموده در مورد زندگی علمی، ادبی، هنری و شخصی خود به طور مختصر معلومات ارائه نماید.

پاسخ : اسم من صدیق و نام فامیلی ام قیام است . از لیسه نادریه فارغ و شامل فاکولته انجیری "مهندسی" شدم . بعد مدت پنج سال با دوره ستاژ شامل وظیفه در ریاست تعمیرات وزارت دفاع شدم دوره ستاژ را که مربوط صنف پنجم می شد در حربی پوهنتون معرفی شدم و گذشتاندم و بعد همانجا به صفت آمر تعمیرات قرار گاه در بست دگروالی تعیین بست شدم . در ضمن بعضی مضامین غیر نظامی را مانند مقاومت مواد , رسم تخنیک , تیوری میخانیک و سروی را بصورت حق الزحمه در بعضی از پوهنحی های حربی پوهنتون درس هم میدادم . و یک کتاب رسم تخنیک راهم نوشتم، که از طرف ریاست تدریسات به چاپ رسید . بعد از سال (۱۳۵۷) دوباره به ریاست تعمیرات به خواست خودم با وجود عدم رضایت مقامات رهبری حربی پوهنتون تبدیل شدم چون از مسلک دور می شدم و خوش داشتم دیزاینر ساختمان باشم . خوش بختانه موفق شدم باز هم در بست دگروالی بصفت دیزاینر در شعبه ساختمانی ایفای وظیفه نمودم.

در سال(۱۹۸۴) جهت تحصیلات تخصصی در رشته ساختمان به کشور پولند رفتم . بعد از ختم موفقانه تخصص در رشته دینامیک ساختمان به کشور عودت نمودم .

در اواخر حکومت دوره مرحوم داکتر نجیب الله، به یکی از دفاتر ملل متحد بعد از وقت رسمی کار را شروع کردم. چون آنوقت به ندرت مردم به کامپیوتر دست رسی داشتند، من به کامپیوتر آشنایی داشتم و برای اداره مذکور پروگرام می ساختم.

از همان جا خود را کاندید کردم به یک بورس و بعد از سپری کردن امتحان موفق گردیدم و رفتم به انگلستان و در پولی تخنیک اکسفورد انگلستان و مسلک مجادله با حوادث طبیعی را که به مسلک مرتبط بود آموختم و بعد از ختم دوره درس، به انجیری امپریال کالج لندن به خاطر تست ساختمان بالای میز زلزله معرفی گردیدم چون میز زلزله که خیلی قیمتی است تنها در انجیری امپریال کالج موجود است. انجا هم تحقیقات مسلکی را روی میز زلزله مصنوعی تحت نظر پروفیسور شناخته شده جهان امبرسیس انجام دادم. بعد از ختم تحصیلات به کشور برگشتم. که چندی بعد نظام تغییر کرد. و جنگ های داخلی شروع شد متأسفانه مسلکی را که جدیداً آموختم نسبت شدت جنگ های کابل نتوانستم در این راستا به کشورم خدمت موثر کنم. اما بعد از سقوط طالبان چانسی از طریق دولت نیافتم برای کار اما خوشبختانه باز هم از طریق ادارات بین المللی در کابل کارهای موثر کردم که از کارم راضی هستم.

پرسش: محترم قیام صاحب شما برای اولین بار چگونه به هنرموسیقی روی آوردید، و این هنر را به طور علمی و مسلکی از چه کسانی، چطور و در کجا فرا گرفتید؟

پاسخ: من از چند نسل یعنی پدرم دکتور طب نظامی، پدر کلانم قیام الدین خان از افسران نظامی دوره مرحوم امان الله خان غازی، و پدر پدر کلانم بنام عبدالمجید همه نظامی بودند. یعنی در یک فامیل نظامی و روشن فکر در کوچه قاضی فیض الله خان شهرکهنه کابل به دنیا آمدم. پدرم مرحوم زمانی که تازه تولد شده بودم طنبور نوازی را از مرحوم زمان شوقی که عسکرش بود آموخته بودند و گاگاهی در خانه وقت فراغت از کار دولتی یا معاینه خانه، نیکو طنبور می نواخت. همچنان پدر کلان مادری ام که آدم با رسوخ در کابل بود و وضع اقتصاد بهتری داشت. بعضی از استادان نامدار خرابات را به خانه میخواست و به آنها گوش میداد. از همانجا تاثیر جادویی موسیقی بالایم اثر گذاشت.

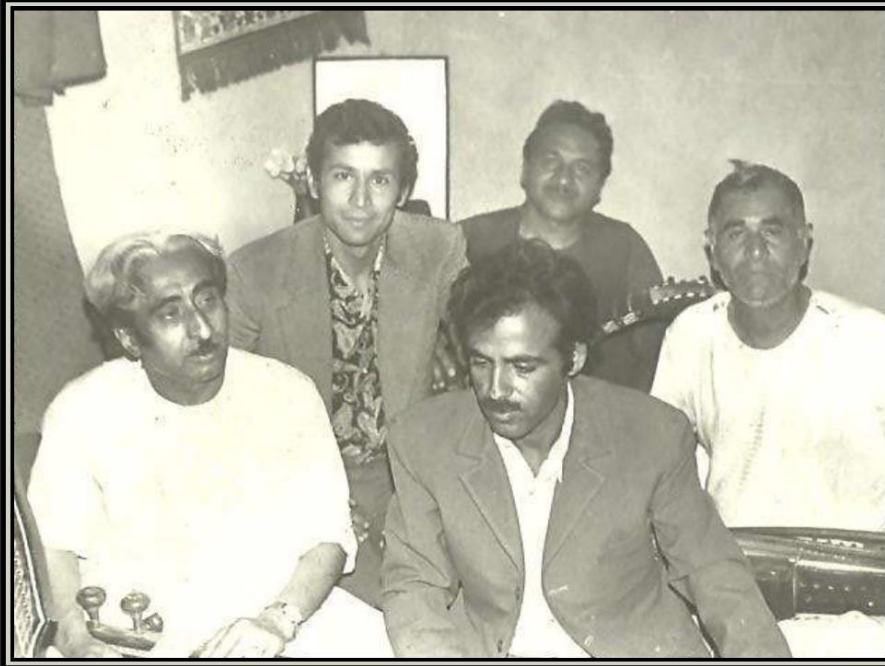
تا صنف دوم مکتب را در مکتب ابتدایی ابوریحان البیرونی خواندم در شهر کهنه کابل.

بعد پدرم به صفت سر طبیب لوای میمنه و بعد سر طبیب شفاخانه فرقه هژده مزار شریف تبدیل شدند. همانجا که طفل شاید صنف سوم یا چهارم بودم از بازار یک غیچک وطنی را خریدم. بدون رهنمایی شروع کردم. بعد تونت را یاد گرفتم که مانند توله است. وقتی صنف هشتم لیسه باختر مزار شریف بودم پدر مرحوم دوباره به کابل

تبدیل شد و من شامل لیسه نادریه شدم. به اجازه پدرم بعد از وقت مکتب، به کورس موسیقی وزارت معارف شامل شدم که معلمین آن دومی و دوخام همه اطریشی بودند از همدوره های آن کورس صابر جان شیرزوی و رحیم جان غفاری را اکثر می شناسند. موسیقی غربی را آموختم بعد از ختم کورس غربی چون علاقه مندی به موسیقی شرقی داشتم به کورس های موسیقی رادیو شامل شدم و دلربا را از مرحوم استاد غلام نبی آموختم، بعد از سه ماه آموزش در امتحان موفق شدم و شامل ارکستر جوانان گردیدیم که مرحوم امین الله ندا آنرا رهبری میکرد یعنی از صنف دهم تا صنف دوازده بعد از ساعت چهار عصر به ارکستر جوانان دلربا می نواختم. و اولین بار با یک آهنگ مرحومه خانم ژیلا دلربا نواختم که ثبت رادیو شد. بنام " گیسو بیاشی بر سر شانه ... ساز قیامت گشته روانه " . که برایم پر خاطره بود.

بعد از فراغت از لیسه نادریه به فاکولته شامل شدم. بناً موقتا موسیقی را ترک گفتم چون خواندن انجیری که خود میدانید وقت زیاد کار دارد و وقت برای موسیقی نمی ماند .

بعد از ختم فاکولته نزد مرحوم استاد رحیم بخش که دوست بسیار نزدیک پدر مرحومم بود به رسم خرابات " گُر " ماندم و رسماً شاگردش شدم .



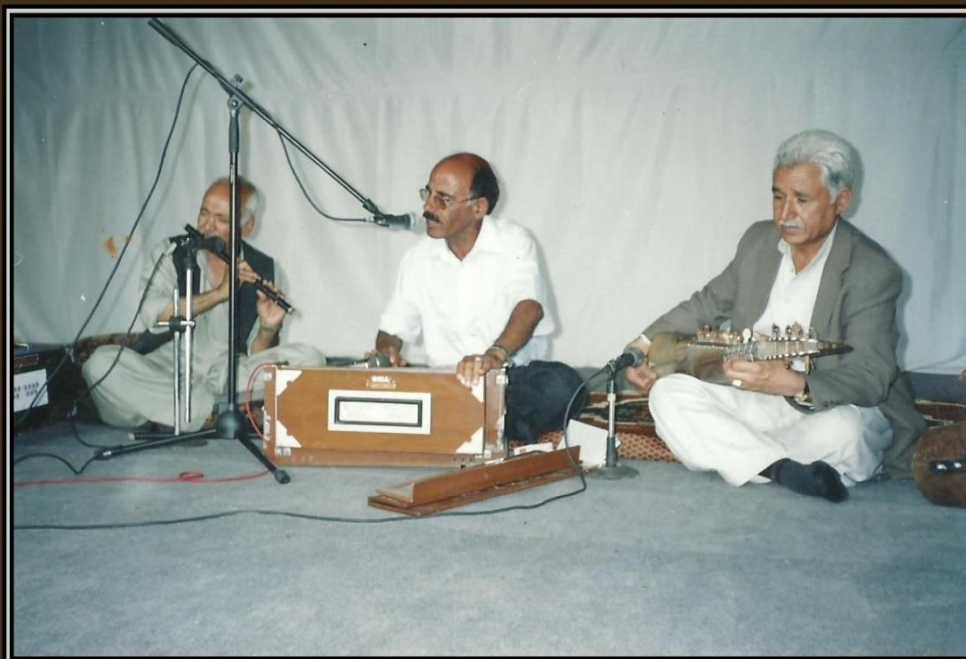
محترم صدیق قیام با استاد خود مرحوم استاد رحیم بخش

بعضا البتہ غیر رسمی از استادان ہندی کہ در کابل درس میدادند مانند استاد دیش پندت و استاد دایشنکر کلاسیک می آموختم البتہ ہندی ها از طرف دولت استخدا ام شده بودند.

در وظیفہ رسمی ام چون مرا می شناختند در کنسرت های رسمی حربی پوهنتون اشتراک میکردم و یعنی ہم رباب می نواختم و ہم میخواندم . زیاد استقبال میکردیم . مخصوصا قواندانان وقت مانند دگر جنرال میوند، تورنجنرال شاہپور احمد زی و جنرال عبدالواحد سراج زیاد تشویق میکردند . و بہ اثر تقاضای منسوبین و استادان (ح . پ) دورہ مرحوم داود خان شب های جشن را بہ شکل افتخاری بدون کدام حق الزحمہ در کمپ حربی پوهنتون تا ساعت یک ودو شب میخواندم .



این عکس در سالون قرارگاه حربی پوهنتون سال (۱۳۵۵ و یا ۱۳۵۶) گرفته شده
مرحوم داود خان با استادان حربی پوهنتون



محترم صدیق قیام با نوازنده ها از جمله محترم محمد عتیق رباب نواز و محمد جبار
توله نواز در استدیو ثبت

باید خاطر نشان کنم که موسیقی هیچ وقت مانع تحصیلات در مکتب یا فاکولته های داخل خارج و کارم نشده است بلکه احساس میکنم که باعث رشد حافظه ام نیز گردید و حتی توانستم ضمن کارم دو کتاب مسلکی انجیری و کتاب از صدا تا آهنگ در باره موسیقی را بنویسم .

حتی در کشور پولند زمانیکه مصروف کورس زبان پولندی بودم بار اول نظر به خواهش سفیر افغانستان در پولند . ضمن یک مصاحبه البته بزبان انگلیسی چون هنوز توانایی صحبت به پولندی را نداشتم یک پارچه رباب در تلویزون ملی پولند هم نواختم .

بعد ها به اثر دعوت رادیو تلویزون پولند در دو فیستوال اشتراک کردم که در فیستوال اول در شهر پوزنان پولند اجرا شد دیپلوم هم گرفتم که سفیر افغانستان در پولند دیپلومم را با مهر سفارت و امضای شان نیز تایید کردند چون از طریق تلویزون ملی پولند دیده بودند همچنان در اخبار شهر پوزنان در ماه می (۱۹۸۵) انعکاس یافته بود. بعد از آن با موسیقی دانان پولند آشنا و رابطه داشتم مخصوصا با آقای یورک طبله نواز شاگرد استاد الله رکها خان و خانم ماریا که خود تحصیلات عالی موسیقی در شهر کراکوف و هندوستان دارد , سارنگ نواز است و شاید اولین خانمی باشد که سارنگ می نوازد . و شهرت زیاد در پولند دارد . گاهگاهی با من سارنگ نواخته است و من هم تعدادی از راگها را برایش درس داده ام در سایت فیسبوک با من است .

پرسش : شما علم موسیقی را چگونه تعریف مینمایید؟ به نظر شما آوازخوانان و نوازندگان در جهت فرا گیری علم موسیقی باید به کدام نکات جدی و ضروری توجه نمایند؟

پاسخ : موسیقی هنری ظریفی است که روح انسان را پرورش میدهد . از انسانها اولیه تا امروز بشر در هر قاره ای که زندگی میکند به موسیقی دلچسپی نشان داده اند حتی از موسیقی برای تداوی بعضی امراض استفاده کرده اند که سابقه اش تا (۲۶۰۰) سال می رسد . ابن سینای بلخی هم در تداوی از موسیقی استفاده نموده است . که امروز آنرا بنام موزیک درمانی یاد میکنند .

همان طوریکه اشاره نمودم . تعداد زیادی خوش دارند تا موسیقی بیاموزند و روح خود را تلطیف نمایند کار خوبی است . اما این بدان معنی نیست که حتما در تلویزون ها و رادیوها بخوانند . فقط کسانی این حق را دارند که شوق عالی و مهمتر تر که استعداد داشته باشند و صدای شان اثر داشته باشد . اگر جوانان در خود استعداد می بینند باید نزد رهنما یا استادی مراجعه کنند و تمرینات شاقه را سپری نمایند وقتی به مرحله پخته گی برسند میتوانند در خدمت مردم قرار بگیرند.

پرسش : به نظر شما موسیقی علم است یا هنر؟ زیاتر به کدام جنبه موسیقی اهمیت داده می شود، به جنبه علمی یا هنری؟

پاسخ : موسیقی هم علم است و هم هنر . یعنی نزد هنرمندان و زیبا شناسان هنر است . اما نزد اهل ساینس علم است . چون مبده ء موسیقی صوت است و صوت بخشی از فزیک است و با ریاضی هم سروکار دارد و با هم نسبت های عددی دارند . اما اهل هنر به جنبه هنری آن اهمیت قایل هستند . به خاطریکه اگر از علم کار بگیرند پارچه های موسیقی خشک و بی اثر خواهد بود . چون موسیقی با احساس سروکار دارد .

حتی اهل عرفان و تصوف هم به علم بودن موسیقی تاکید کرده اند . چنانچه حضرت مولانا بلخ دریک غزل خود که مقام ها را با مهارت تشریح کرده است دریک مصرعش نوشته : " این علم موسیقی برمن چون شهادت است ... چون مومنم شهادت و ایمانم آرزوست " . یا حضرت سعدی فرموده است . " سعدیا تاکی سخن از علم موسیقی رود ... گوش جان باید که معلومش کنی اسرار دل " .

پرسش : فعالیت هنری تانرا چه زمانی با رادیو افغانستان آغاز و اولین آهنگی را که در آن زمان سرودید، چگونه مورد استقبال شنونده ها قرار گرفت؟ کدام آهنگی تان، شما را در بین مردم زیاد تر به شهرت رساند؟

پاسخ : همان طوریکه در بالا تذکر داده شایدصنف دهم مکتب بودم که عضو ارکستر جوانان قبول شدم یعنی اول به نواختن دلربا با هنرمندان شروع کردم . بعد از ختم فاکولته به آواز خوانی شروع کردم که معمولا غزل میخواندم . در محافل خاص بسیار تشویق می شدم . صرف در همان اوایل دو آهنگ در رادیو ثبت کردم که یکی آن پشتو بود یک آهنگ دری . چند بار نشر شد و بعد کمتر نشر کردند راستش چندان علاقه به ثبت کردن نداشتم و تا امروز همان طور است و دوستانم زیاد تقاضا و گله میکند .

یگان کمپوز کرده ام . اولین کمپوزم صنف (۱۲) بودم ، لیسه نادریه با لیسه زرغونه به خاطر جشن استقلال کنسرت مشترک داشتند . یک شعر مقبول شیر و شکر فارسی و پشتو نزد بود آنرا کمپوز کردم بندهای پشتو مردانه بود و فارسی زنانه . فارسی اش را یک ممثله رادیو که متعلمه زرغونه بود اقلیما جان مخفی با من اجرا کرد و بی نهایت روی سٹیژ کابل ننداری استقبال می شد که چند روز دوام کرد و آخرین کمپوزم در پشاور بود که میهنی بود . چنان هیجان میداد که در وقت تمرین بارکستر که خودم رهبری میکردم در وقت تمرین خودم میخواندم با (۱۵) نفر از نواندگان رادیو تلویزون که بارها محترم شیر محمد غزنوی فریاد میکشید و رویم را می بوسید . بالخره برادرم نجیب الله قیام خواهش کرد که این آهنگ را من میخوانم . اما متاسفانه آوازش برای آهنگ مناسب نبود

چون به آواز باس و کورس ضرورت داشت . اما همان آهنگ در دوره بعد از سقوط طالبان از وزارت اطلاعات و فرهنگ جایزه هم گرفت اما در رادیو تلویزون نشر نشد چون خودم نخواستم نشر شود آواز ضعیف بود . اما وقت میسر نشد که آهنگ را خودم یا کدام نفر دیگر بخواند البته تصنیف آن هم از خودم است و اینطور " پشستون تاجیک هزاره و ازبک بلوچ ما ... هم ترک پشه یی هم اهل هنود ما ... باوحدت ملی افغانانو ورو ولی ویرانه های جنگ تو آباد میکنیم ... از جهل و فقر تفرقه آزاد میکنیم " .

اما زیاد تر شهرتم با تشریح دادن موسیقی از طریق تلویزون ملی , نوشته هایم و تربیه یک تعداد جوانان به شمول شاگردان خارجی ام از آلمان, ایتالیا و پولند بودند و کنسرت های رسمی که خواندم و زیاد تشویق می شدم .



محترم صدیق قیام با استاد ولی و مجید سپند



محترم صدیق قیام در جریان تدریس موسیقی با استاد مهوش
در خانه استاد مهوش



استاد صدیق قیام در جریان تدریس موسیقی برای استاد مهوش
و فرهاد دریا در خانه استاد مهوش



محترم صدیق قیام با شاگردش (ایلونا) از کشور آلمان

پرسش: شما در قسمت ساختن و کمپوز آهنگهای تان برای اولین بار از کجا و چطور آغاز نمودید؟ آیا کسی دیگری هم شما را درین قسمت همکاری نموده یا خیر؟

پاسخ: نخیر هیچ کسی همکاری نکرده است شوق وافر و تلاش هایم به هنرموسیقی بوده اما تشویق های استادم و اهل فرهنگ هنردوستان زیاد کمکم کرد .



محترم صدیق قیام با برادر خود مجید قیام که رباب می نوازند و دوستانش

پرسش : شما سبک را در هنر موسیقی چگونه تعریف می نماید، پیرو کی و کدام نوع سبک هستید.

پاسخ : یکی از نویسندگان فرانسوی در باره سبک میگوید : سبک نظم و حرکتی است که در افکار خود داریم .

در موسیقی سبک روشی است که کمپوزیتور یا آواز خوان یا حتی نوازنده , میتواند افکار و احساسات خود را بدان وسیله نمایش داده و بیان کند .

سبک در ملل مختلف دنیا روی قواعد معینی به وجود می آید . موسیقی هر ملتی سبک خاص خود را دارد . که معرف همان ملت است .

پرسش : شما منحنی یک هنرمند متعهد و رسالتمند موسیقی کشور ما برای حفظ و زنده نگاهداشتن موسیقی اصیل افغانی چه کارها و فعالیت های را تا کنون انجام داده اید؟

پاسخ : همان طوریکه در بالا تذکر دادم من یک انجنیر ساختمان هستم و وظیفه دولتی داشتم یا در ادارات بین المللی کار میکردم هیچ وقت مامور رسمی رادیو تلویزون ملی نبوده ام , هر کاری را که در موسیقی انجام داده ام بعد وقت رسمی بوده و وقت به

کارهای هنری که شما اشاره کردید نداشتم تا در این باره کار کنم و اکنون هم کاری که میکنم برای ادامه زندگی ام همان کار مسلکی انجیری است به طور شخصی نه دولتی. و در طول عمر هیچ وقت از موسیقی عایدی بدست نه آورده ام همه کارهای هنری ام افتخاری بوده است .

در این کار کمتر سهم داشتم .

اما قبلا مرحوم فرخ افندی رهبر ارکستر جاز سال های دوره شاهی یک تعداد زیاد آهنگ های اصیل پشتو را جمع آوری و به نوت غربی آماده کرده بودند که توسط مرحوم محمد دین ژواک به شکل کتابی زخیمی آماده شد و توسط انجمن هنر مندان بعدها نشر شد و هم چنان مرحوم استاد ننگیالی هم در حدود یکصد آهنگ اصیل فارسی پشتو , ازبکی و هزارگی را از نقاط مختلف کشور جمع آوری و به شکل غربی نوت کرده بودند که انجمن هنر مندان آن را نیز به نشر رساند. متاسفانه تعداد زیاد آن هنوز در تهکوی دفتر انجمن باقی بود که تحول آمد و در وقت جنگ های کابل توسط سه نفریکه برادر بودند با فامیل خود در تعمیراتحادیه زندگی می کردند آنها را برای تسخین دربخاری سوختاندند . لازم است هنر دوستان کمک مالی کنند تا هر دو کتاب دوباره چاپ شود غنیمت بزرگی است .

پرسش : محترم قیام صاحب در عرصه هنر موسیقی چطور به شهرت رسیدید؟

پاسخ : در فوق تذکر دادم , همه هنر دوستان خاص میدانند که بعد از تعلیم موسیقی از صنف نهم شامل ارکستر جوانان شدم در بالا تذکر دادم و با یک تعداد آواز خوانان دلربا مینواختم و در تلویزون ملی در برنامه های هر پانزده روز, موسیقی غزل و کلاسیک , با پرودیسری مرحوم ظاهر هویدا قبل از شروع آهنگ های استادان در برنامه غزل و کلاسیک , انواع موسیقی غزل و کلاسیک و راگ ها و تات ها را تشریح میکردم زمانی که همه استادان در قید حیات بودند و این کار در آن زمان ساده نبود . حتی زمانی دوره تحصیلاتم در پولند , وقتی رخصتی کابل می آمدم چون وقت کم بود, روز های جمعه مرحوم ظاهر هویدا استدیو تلویزون را آماده میکردند و ادامه لکچرها را ثبت میکردم و دوباره پولند میرفتم که شاید در آرشیف تلویزون ملی باشد اگر ضایع نشده باشد. همچنان مقالات معلوماتی را مسلسل در جراید کشور از جمله مجله سباون زمانی که محترم ظاهر طنین مدیر مسول بودند به شکل سریال گونه نشر میشد . با به وجود آمدن انترنت مقالاتم در سایت های افغان نشر شده است . چند سال قبل نظر به خواهش محترم داکتر واحد نظری که رییس نشرات تلویزون شمشاد بودند از من خواهش کرد . از طریق تلویزون شمشاد موسیقی را درس میدادم . یا از آموزش شاگردان بعد از وقت رسمی که تعداد شان به شهرت رسیدند. همچنان کتاب از صدا تا آهنگ را نوشتم

که زیاد مورد قبول واقع شد . اما متأسفانه کتاب از صدا تا آهنگ در زمان مهاجرت درپشاور نشر شد و مردم از ترس طالبان جرئت نمی کردند که کتاب را داخل کشور بیاورند اما زیاد تر افغانها به آمریکا و جرمنی و بعضی کشور های دیگر بردند .

نظر به خواهش دوستان که دوباره نشر کنم . شروع کردم به باز نویسی دوباره آن با مطالب تحقیقی جدید و همرا با چهار سی دی که تعداد کمتر از یکصد راگ با نوتیشن غربی و شرقی و به شکل عملی هر راگ را برای دو دقیقه هم ضمیمه داشته باشد . اما متأسفانه نسبت بلند رفتن هزینه نشر آن موفق نشدم و مواد آماده نشر است .

پرسش : چاپ و تکثیر آثار علمی و هنری تان در طی چه مدتی به تحریر درآمد و استقبال مقامات هنری از آن چگونه بود؟

پاسخ : مدت دقیق آن برایم مشکل است . متأسفانه مقامات دولتی در طول همین دوازده سالی که گذشت حتی یکبار هم از کتابم یک یاد آوری ساده هم نکردند . در ابتدا دولت بعد از سقوط طالبان یک تعداد از هنرمندان خواهش کردند که جناب سیدمخدوم رهین که وزیر فرهنگ است شاید هنرمندان را نشاناسد یکبار نزد شان بروید و یک جلد کتاب تانرا برایش ببرید . رفتم در اطاق انتظار دیر نشستم . او با خارجی ها ملاقات داشت . وقتی خارجی ها خلاص شدند با آنها یکجا از دفتر خود برآمدند و برایم گفتند شما چه کار دارید بامن؟ . گفتم کار به خصوصی ندارم . یک جلد کتابم را برایتان آوردم . کتاب را به بسیار بی تفاوتی گرفت و آنرا به بادی گارد خود داد . فقط فرمودند که کاشکه دیگرانجنیران هم این کار ها را بکنند . و سخن شان سخت متاثرم ساخت و پشیمان شدم از آمدن نزد شان .

بلکه خاطره تلخی تری که از وزارت فرهنگ دارم . دوبار مرا خودشان موظف ساختند که در باره موسیقی و فولکلور باید درسمینار سارک در هندوستان بروم . من مواد به شکل پرزنتیشن به زبان انگلیسی تهیه کردم . و نظر به مکتوب رسمی شان وزارت امور خارجه پاسپورت خدمت هم دادند . اما بار اول که در دوره محترم کریم خرم بود سه نفر از زور داران رفتند و بار دوم در دوره محترم رهین باز هم تکرار از من خواهش کردند من معذرت خواستم اما معین صاحب وزارت آقای وحید سلطان که در هر دو دوره معین بودند برایم گفت که انجنیر صاحب کدام هنر مندی را روان کنم که هم موسیقی اکادمیک بدانند؟ و هم مثل شمابه آسانی به انگلیسی سخنرانی کند . قبول کردم وقتی زمان سیمینار نزدیک شد با وجودیکه آماده شده بودم با ز کدام سمارق زور دار را روان کردند این بدترین خاطره ام است.

اما کتابم بعد از نشر در مجلات و جراید افغانها در پشاور ، در مجله دُرَدری در ایران ، اخبار امید در امریکا و دریک تلویزون افغان ها در هامبورگ جرمنی تقدیر شد که از ایشان متشکرم .

پرسش : موسیقی اصیل افغانی در سرزمین هنر پرور و هنر دوست ما در محافل و مجامع هنری مردمی در مناطق مختلف رشد و تکامل نموده است. شما در مورد انواع موسیقی در کشور ما چگونه می اندیشید؟

پاسخ : افغانستان عزیز یک کشور چند ملیتی است و هر ملیت موسیقی های بخصوص خود را دارند با ریشه مشترک . موسیقی های شهری ما به خصوص شهر های کلان متاثر است از راگ های هند . و غزل خوانی ، یگان کلاسیک و تهمری و بضعا جوانان به موسیقی نوع غربی به شکل گروه های هنری ظهور کردند، مخصوصاً کابل ، قندهار ، هرات و جلال آباد، مزار شریف و غیره . اما در نقاط دور دست کشور مثلاً سمت شمال هنوز هوای موسیقی باستان که تحت تاثیر مقام های دوازده گانه باستانی ماست سینه به سینه دوام کرده اما متأسفانه اجرا کننده ها به عمق آن اکادمیک نمی دانند. یا حتی کهن ترین موسیقی هنوز هم در مناطق نورستان و شمال شرق کشور مانند مناطق پامیر و قسمت های دور دست بدخشان باقی مانده است مثلاً موسیقی چند صدایی یا پولی فونیک . که یک محقق اطریشی بنام پروفیسور " هارمن پرسل" در باره موسیقی نورستان تحقیقات جالبی انجام داده است هارمن پرسل به گفته خودش افغانستان را مدت پنج سال با پای پیاده مسافرت کرده و تحقیق نموده است . یا یک محقق فرانسوی بنام " موسیولوجی دیلور " شاید نیم قرن قبل یک مقاله جالب در باره موسیقی های مختلف افغانستان و اتن های محلی نوشته که مرحوم عبدالرحمن پژواک مقاله را به انگلیسی ترجمه و به یکی از مجلات انگلستان به نشر رسیده است که قسمت آنرا من به فارسی ترجمه و در کتاب از صدا تا آهنگ خودم جا داده ام . نقطه جالبی را که این محقق فرانسوی در مقاله خود اضافه کرده است که موسیقی افغانی موسیقی دو دنیاست یعنی دروازه است بین موسیقی شرق و غرب و او اضافه کرده است شباهت های دارد با موسیقی های اسکندوی و مراکشی و یک آهنگ بنام " اوبرگین " فرانسوی .

پرسش : شما در بخش آهنگهای طنزآمیز و انتقادی، نقش و رسالت هنری کدام هنرمندان را میستایید، محبوب ترین و معروفترین آوازخوانان درین بخش کی ها بودند؟

پاسخ : راستش کمتر به این آهنگ توجه کرده ام و نمی توانم جواب خوب بدهم.

پرسش : شما نقش موثر شاعران، تصنیف سازان، آهنگسازان، آوازخوانان و هنرمندان را در قسمت زمینه سازی پیشرفت و تکامل آهنگهای حماسی و میهنی چگونه ارزیابی می نماید؟

پاسخ : آهنگ های میهنی و حماسی را زیاد دوست دارم . از زمان مرحوم استاد قاسم اسناد است اما پیشتر از آن را خبر ندارم چون ریکار کردن درکشور نبوده است . از دو آهنگ استاد قاسم در زمان محاربه استقلال زیاد خوشم می آید که یکی آن را همه هموطنان شنیده اند(ناز دارد بی سرو سامانیم) و یک آهنگ دوش متاسفانه نا شناخته مانده است . بار اول با مرحوم استادرحیم بخش یکجا رفتیم به خانه یک دوستش آن کست را به فرمایش استاد ماند درراگ ملتانی و شعرش مصرع ای از مرحوم مستغنی است یعنی ندای یک مادر به فرزند سربازش است و مطلبش این بود که فرزندم بدون کسب آزادی برنگردی ورنه شیرم را برایت نمی بخشم .متاسفانه نه پسران مرحوم استاد قاسم آن آهنگ را خوانده و نه شاگردانش از جمله استاد رحیم بخش . من آن آهنگ را صرف یک بار برای پنج دقیقه شنیده ام و به حافظه ام است و گاهی در یگان محفل دوستان می خوانم . البته بعداً اکثریت هنرمندان ما حتماً آهنگ های میهنی و حماسی خوانده اند مثال آقای استاد مددی , مرحوم استاد اول میر , مرحوم مسحورجمال , مرحوم احمد ظاهر , مرحوم استاد زلاند و خلاصه همه که نام بردن همه مشکل است . اما در این اواخر یک جوان بنام لطیف ننگر هاری یگان آهنگ میهنی را بسیار با احساس خوانده است که خوشم می آید .

پرسش : به نظر شما چه تفاوتی میان آلات و وسایل موسیقی اصیل افغانی با موسیقی کشور های غربی وجود دارد؟

پاسخ : اگر منظور تان صرف آلات موسیقی باشد . آلات موسیقی غربی پیشرفته تر ساخته شده است . حتی هارمونی آله موسیقی هندی نیست بلکه انگلیس ها بار اول هارمونی را به هند آوردند . آلات موسیقی ما پرده های ساده و طبعی دارند . اما خوش آواز و مطبوع اند و به گوشهای ما آشنا است .

پرسش : به نظر شما مشهور ترین آلات و وسایل موسیقی اصیل افغانی کدام ها اند ؟ نقش عمده و اساسی کدام هنرمندان نوازنده میتواند بر جسته شود؟

پاسخ : اگر به گذشته های دور در باره آلات موسیقی سرزمین ما فکر کنیم آلاتی بوده اند که بنام های " وانا , یونا , دندوبهی " یاد شده اند . اما بعد ها آلات موسیقی آریانای کبیر شامل حوضه بزرگ می باشد مانند :

به استناد شهنامه و دیگر آثار شعرا ، آلات موسیقی مروج در منطقه وسیع آریانا کهن عبارت بودند از : نی ، چنگ ، زنج ، کنار یا سنتور ، زنگ ، تاس ، دنبک ، زیل یا نوع چنگ ، سورنای ، غژک ، ارغنون ، دف ، چغانه یا قانون ، کرنا ، ناگر یا نغاره ، انابال یا طبل ، دمبوره ، رباب طنبور و غیره بوده اند . قابل ذکر است که کلمه ارگن از ارغنون گرفته شده است.

مثلا زیر بغلی هم شامل همین حوض ها است یا دهل ریشه افریقایی دارد.

پرسش : شما سبک موسیقی لوگری را با موسیقی (سویت) اروپایی که یک موسیقی لایت غربی است چگونه مقایسه مینمایید؟

پاسخ : شباهت های دارند . و اما اگر در سطح بالا موسیقی غرب و شرق را مقایسه کنیم. تفاوت زیاد و جود دارد. موسیقی شرقی میلودیک و یکصدایی است که به گوش غربی ها آشنا نیست و فکر میکنند موسیقی یکنواخت است . که این طور نیست . و موسیقی غرب چند صدایی پولی فونیک است مثلا سمفونی ها که به گوش شرقی ها آشنا نیست و شرقی ها کمتر به موسیقی عالی سمفونیک علاقه دارند.

پرسش : در سبک موسیقی ننگرهای (د حجره مجلس) و (دیره مجلس) که معمولا بوسیله آوازخوانان ولایات شرقی کشور برگزار می شود و از غنا و اصالت های خاص هنری برخوردار است. آواز خوانان این سبک در زمان های مختلف مجالس گوناگون برپا نموده اند مگر درین اواخر ازین مجالس سرو صدای وجود ندارد و اگر است هم خیلی ها ضعیف. به نظر شما علت این امر چه است؟

پاسخ : در این اواخر شوق ها به نوع درآمد پولی تبدیل شده است . هنرمندان امروز کمتر توجه دارند به فرهنگ ملی، اکثریت به پول فکر میکنند و توجه دارند به سی دی سازی ها همراه بارقاصه ها یا تقلید کلپ های غربی برای فروش .

پرسش : استاد گلزمان که یکی از پیشگامان سبک موسیقی پکتیایی است و در آرشیف رادیو و تلویزیون آهنگهای معروف فلکوریک دارند از نظر شما کدام آهنگهای شان بیشتر درخشیده است؟ مهربانی نموده در مورد نقش مثمر و ارزنده یی هنری استاد گلزمان بطور مختصر معلومات ارایه نمایید.

پاسخ : استاد گلزمان را از زمانیکه در کورس موسیقی رادیو شامل شدم یعنی صنف نهم مکتب تا امروز می شناسم . زیاد در موسیقی زحمت کشیده آهنگهای زیاد هم برای خود و هم برای هنرمندان ساخته است . ابتدا با داریه آهنگ میخواند . استعدادی خوبی دارد . مشکل استاد گلزمان فقط عدم دسترسی به نوشتن و خواندن است ورنه زیاد تر ارتقا

می‌کرد . در زمان مهاجرت در پشاور یک (ان جی او) افغانی از من تقاضا کرد که باید برای بازتوانی هنر موسیقی که در حال رکود است و اکثریت هنر مندان در زمان طالبان برای پیدا کردن اعاشه فامیل خود به کارهای غیر هنری مبادرت کرده اند کمک کن . قبول کردم و به تعداد (۱۵) نفر از نوازندگان حرفه ای را که در پشاور مهاجر بودند جمع آوری و گلزمان را از کویته خواستم . همه روزه بدون وقفه از ساعت هشت صبح تا سه عصر تمرین ها آغاز شد و من رهبری می‌کردم . هفته یکروز برای شان سواد موسیقی و نوت نویسی را درس میدادم . که دوفتر از جمله استاد گلزمان و استاد امرالدین دلربا نواز زیاد دلچسپی نشان میدادند و دقیق نوت می گرفتند. بعد استاد گلزمان از من خواهش کرد که انجنیر صاحب من نزد شما رسماً " گر " می مانم و شاگرد می شوم . برایش گفتم گلزمان من در پی شهرت و پول نیستم بدون سرو صدا و گر ماندن من در خدمت هستم و کمکت می کنم . انسان متواضع است .



استاد صدیق قیام در جریان تدریس نوت نویسی غربی با آواز
خوانان و نوازندگان در شهر پشاور در هنگام مهاجرت



محترم صدیق قیام با آواز خوانان و نوازندگان در شهر پیشاور در هنگامی مهاجرت

پرسش : به نظر شما آواز خوانان غزلسرای کشور ما کی ها بودند و هستند؟

پاسخ : بصورت عموم اکثریت استادان آواز خوان خرابات . بعضا هنرمندان مطرح غیر حرفه ای مانند احمد ولی و داکتر ناشناس و غیره در کابل استاد اولمیر و استاد ایوب و همین طور اکثریت آواز خوانان قندهار و هرات و بعضا مزار شریف و بدخشان . یعنی آن عده ای که به راگ ها و تال ها دسترسی داشتند .

پرسش : از نظر شما در پیشرفت، تکامل و شگوفایی سبک موسیقی هراتی نقش و رسالت کدام هنرمندان، آواز خوانان و نوازندگان جای و مقام خاص خود را دارند ؟

پاسخ : در هرات مثل کابل هنرمندان خوب بوده اند و زحمات زیاد کشیده اند و شاگردان تربیه نموده اند که نام گرفتن همه مشکل است .

پرسش : در مورد ارکان موسیقی (سر)، (تال) و (لی) چه توضیحات و نکاتی را قابل یاد آوری می دانید؟

پاسخ: از سه عنصر عمده ای که شما از آن نام برده اید عناصر اساسی است که در موسیقی غرب و شرق باید مراعات شود. در غیر آن موسیقی موسیقیت نمی داشته باشد.

سُر: به معنی آواز موثر است که بالای شنونده اثر داشته باشد. یا از دید علمی ترمعاری است که آلات مختلف موسیقی چه تار دار باشد یا بادی یا ضربی یا رشته های صوتی انسان باید آن را پوره کرده بتواند. اگر تفاوت فریکونسی های معیار سُر اندک باشد چه بالا تر از معیار یا پایین تر شنونده به شنیدنش علاقه نمی گیرد و بی تفاوت می ماند. و اگر تفاوت فریکونسی های هر سُر زیاد باشد حتی شنونده ای عادی را اذیت میکند. باید اضافه کنم که برای آواز انسان نباید بی سُر مطلق گفته شود یعنی کم سُر یا عکس آن باید گفت. بی سُر برای آواز های مانند آواز مرکب، زاغ و غیره گفته می شود که دلخراش اند.

تال: از تاله گرفته شده به معنی کف زدن یا واحد های ضرب اند که اقسام مختلف دارد از نگاه شمار ضرب ها در یک دور. هر تال دارای دو واحد است یکی سیلاب یا "بار" که میتواند باهم بارها مساوی باشند یا متفاوت. دوم ضرب یا مآثره در انگلیسی بنام "Beat" یاد می شود. شمار ضرب ها در هر تال فرق میکند و نام تال ها به اساس شمار ضرب نامگذاری شده است. قلب هر انسان و زنده جان دارای تال دو ضربی است یعنی دو مآثره. تال صنعت است آنرا باید آموخت مخصوصا کلاسیک خوان ها و غزل و تهمری و ترانه سرایان.

لی: لی یا حرکت یکنواخت اجسام، یک پدیده طبیعی است در طبیعت هر انسان موجود است عوامل مختلف موجود است که بعضی ها لی ندارند. یا به عباره دیگر هر گاه لحظه های زمانی بین مآثره ها منظم و مساوی نباشد معنی اش این است که نوازنده یا سراینده بی لی است. تمام نظام کاینات در یک لی منظم اند. اندکترین بی نظمی یا بی لیبی در نظام طبیعت طوفان و بی نظمی را به وجود می آورد و در موسیقی بین نوازندگان بی نظمی رخ میدهد. و اگر فاصله بین ضربات قلب ما مساوی و منظم نباشد معنی اش این است که مشکل قلبی داریم.

پرسش: در ساختن یک آهنگ، راگ چه نقش را بازی میکند؟ مهربانی نموده در مورد (ریشه، نام و انواع راگ ها)، اوقات و ماه های مناسب که برای (راگ ها) تعیین نموده اند. به طور مختصر معلومات دهید؟

پاسخ: برای کسانی که غزل، تهمری، ترانه، تپه، خیال، وادر یا دادره و غیره می خوانند بدون معلومات و تمرین عالی شناخت از راگ ها بی کیفیت است. اما کسانی که پیرو شیوه های غربی اند اثری ندارد.

راگ ، راگنی یا تات همه سکیل های باستانی است که ریشه های فولکلور ، مذهبی و حماسی یا قبایل خانه بدوش دارند و یگان کمپوز جاودان مانند راگ "سارنگ" و غیره موجود است که هندی های برای آنها نام های رنگین داده اند یا بنام اختراع کننده اش یاد میشود. برای صنف بندی و تشخیص سکیل ها چنان نام گذاری شده اند. وقت اجرا یا فصل راگ ها را صرف کلاسیک خوانان محافظ کار مراعات میکنند و بس .

مراعات کردن وقت و زمان یا فصل راگ ها را صرف کلاسیک دانان محافظ کار اهمیت میدهند و مراعات می نمایند نه همه هنرمندان . در مقام های باستانی سرزمین ما هم هر مقام در زمان خاص خوانده می شد. حتی نکاتی است که پیشرفته تر از هند بوده . یعنی برای اشخاص از نظر روانی چه خوانده شود؟

پرسش : امیر خسرو بلخی (رح) که یکی از مشهورترین و با استعدادترین دانشمندان علم موسیقی، شعر و ادب بود، در بخش موسیقی ابتکارات و اختراعات مفید و مثمیری انجام داده اند. مهربانی نموده در زمینه معلومات مختصر ارایه نماید؟

پاسخ : یمین الدین امیر خسرو فرزند سیف الدین امیر محمود، اصلاً مشاور دربار یکی از سلاطین هند بود . به موسیقی علاقه وافر داشت . او اولین کسی بود که از تقسیم کردن پیکاوچ که نوع دهل است طبله را به وجود آورد ابتدا مورد استقبال دربار قرار نگرفت که بعد از فوتش مورد توجه هنرمندان قرار گرفت. چندین خیال و ترانه های ساخت به شمول چند راگ و ستار را ارتقا داد .

پرسش : یک تعداد اصطلاحات موسیقی در محافل موسیقی شنیده می شود مانند (تهمیری)، (خیال)، (غزل)، (ترانه) لطفاً در مورد این گونه اصطلاحات اندکی روشنی بیان دارید؟

پاسخ : مکتب های موسیقی است که یکی بعد تکامل کرده اند . مثلاً دُریت تا قرن چهارده دوام یافت بعد خیال به وجود آمد که نسبت به دُریت شریں تر و آزادی دارد و تا امروز مروج است کلمه فارسی است یعنی تخیل . شعرش کوتاه و اهمیت ثانوی دارد دارای دو قسمت است خیال کلان و خیال خورد . تمهیری از تومک گرفته شده به معنی ناز و خرام آوازی یا غوطه زدن پرندگان در هوا موقع پرواز . به راگ های آزاد خوانده میشود در شروع معمولاً خانم ها تهمیری میخواندند بعد بین مرد ها هم مروج شد . خواندنش ظرافت و حوصله زیاد و خلاقیت کار دارد . ترانه هم کلمه فارسی است الفاظش معمولاً فارسی است از الفاظ طبله گرفته میشود بسیار ریتمیک است . معمولاً بعد از اجرای خیال خوانده می شود . غزل در راگ های مختلف خوانده می شود باید شعرش صدمه نبیند و اشعار عالی انتخاب می گردد

پرسش : آستایی و انتره را در موسیقی کلاسیک و نیمه کلاسیک چگونه ارزیابی می نماید؟

پاسخ : آستایی و انتره در هر نوع چه کلاسیک باشد یا نیمه کلاسیک یا آهنگ های سبک شرقی موجود است . قسمت اول خواندن را آستایی و بعد از نغمه قسمت دوم خواندن را انتره می گویند . در کلاسیک قدیم یا درپت خوانی دو قسمت دیگر هم بود که بعد از انتره خوانده می شد یعنی ابهوک و سنچاری که حالا از بین رفته است .

پرسش : در مورد نقش و اثر گذاری نوازندگان و انتخاب موثر آلات موسیقی در ساختن و کمپوز یک آهنگ چگونه می اندیشید؟

پاسخ : متأسفانه تعداد نوازندگان دست اول به استثنای محدود کسان در داخل کشور بسیار کم اند و نسل جوان نتوانستند جای نوازنده های سابق را بگیرند . سارنگ نواز و سنتور نواز با مرگ نوازنده هایش از بین رفت دلربا نواز حسابی نسل جوان نداریم .

یک آهنگ مثل یک تابلو نقاشی است که هر رنگ باید در جایش نصب شود تا تابلو درست خوانده شود . آلات موسیقی هم رنگ های صدا است که باید بجایش به صدا بیاید که به زیبایی آهنگ اثر زیاد دارد .

علت عمده ای که نوازندگی به رکود رفته و نسل جوان علاقه نمی گیرد باز هم ریشه اش همان تجارت پیشگی و رجوع کردن به کمپیوتر است . اکثر کمپنی های ثبت سی دی ویا خود هنرمند آهنگ را می خواند و به استفاده از کمپیوتر صدای آلات موسیقی را مکس یا جاگزین می نماید که نیاز به نوازنده نمی باشد . متأسفانه

علت عمده دیگر آن در این اواخر ، موسساتی که بنام هنر از دونه ها پول اخذ میکنند و بنام هنر محافل تدویر کرده اند یا تلویزون ها همیشه در محافل نمایشی شان چه در داخل و خارج کشور تنها آواز خوانان را دعوت میکنند . به نوازنده یا دست اندرکاران موسیقی ارزش قایل نمی شوند البته استثنای اگر یکی دو نوازنده را خواسته اند آنهم جنبه پول سازی داشته است .

پرسش : نخستین آواز خوان زن در رادیو کابل وقت کی بود؟ از آواز خوانان مجرب و ورزیده زنان در بخش های مختلف موسیقی کی ها را می پسندید؟

پاسخ : در باره نخستین آواز خوان زن زمانی که رادیو نداشتیم در خرابات ظهور کرد که در سوال پایین تر تان جواب خواهم داد . اما آواز خوانان زن در سابق اکثریت به سُر می خواندند . مثلاً خانم ژیلا ، خانم ناهید ، استاد مهوش ، قمر گل ، خانم رخشانه ، مرحومه خانم پروین ، پرستو خانم افسانه ، خانم سلما ، و غیره که تعداد شان زیاد است .

از نسل های که در خارج کشور سربالا کردند هستند انگشت شمار که خوب می خوانند . متأسفانه اگر بعضی شان به کابل می آیند و به تلویزون ها داخلی آواز می خوانند تعداد دور از فرهنگ در صفحات فیسبوک سخنان دور از ادب به آدرس شان می نویسند . که اگر مقاومت نکنند سخت مایوس می شوند زیرا یک حرکت تحقیر آمیز برای یک هنرمند بسیار سنگین تر از یک فیر مرمی ثقیل است این حرکات نا موزن فقط تظاهر و ریا کاری است تا مطرح شوند. اما در کابل زنان جرت بر آمدن روی سٹیژ را ندارند . سرکوب و توحین می شوند. من در سابق زنان آواز خوان و نوازنده طبله , ستار و رباب را دیده ام که ناشناخته ماندند . چون در رادیو یا تلویزون ها ظاهر نشدند .

پرسش : بعد از سفر امیر شیر علیخان در سال (۱۲۴۸) هجری شمسی به هند بریتانوی تعداد از معروفترین آواز خوانان و نوازندگان هندی به کابل مقیم شدند. این هنرمندان کی ها بودند و چه نقش و رسالتی را در رشد و تکامل موسیقی افغانی داشتند؟

پاسخ : درگروپ اول میا سمندر خان پدر کلان استادنتو , پربو خان , سایبین خان , گونکلی خان , رنگ علی خان , گامو خان , طالعمندخان , نته خان , کریم خان, راجی خان , قندو خان . که بعد در گروپ دوم تعدادی دیگری هم آمدند از کشمیر .

خانم ها: مینا درگروپ اول بود, کاکل , گوارا , صوبی , دخترش دیتو و گلشا که از نورستان آورده شد بودند که اولین آواز خوانان زن بودند .

پرسش : نظر شما در مورد رسم (گُر مانی) که در میان هنرمندان اهل خرابات مروج بود و میباشد، چیست ؟

پاسخ : سند گُر مانی از زمان میان تانسن در هند مروج شد و تا افغانستان رسید یک مراسم رسمی است . تار چند رنگ است که در کابل آنرا تار " اته " میگویند که بنام تار پانتره بین اهل موسیقی مشهور است استاد بدست شاگرد بسته می کند و بعد رسماً شاگرد می شود . در حقیقت یک سند رسمی است برای استاد که شاگرد اگر شهرت می کشد منکر نشود . مراسم خاص و پرشکوه ای است همه استادان و هنرمندان را خبر میکنند و شاگرد تحفه های برای استاد تهیه میکند . این مراسم را من انجام داده ام چنان با شکوه بود که فردایش همسایه ها برایم مبارکی میدادند که در عروسی ات ما را خبر نکردی . فقط میگفتم عروسی هنوز دور است .

پرسش : در باره شخصیت هنری استاد قاسم جو یا قاسم افغان، محبوب همگان و سرحلقه خراباتیان چگونه می اندیشید؟ این استاد بزرگ و گرانمایه، شعر مرحوم مستغنی را که مطلع ان اینست:

ناز دارد بی سرو سامانی ام + بحر در بر قطره ای طوفانی ام
آسمان سیر است سرگردانی ام + مشکل هر کار شد آسانی ام
گر ندانی غیرت افغانی ام + چون به میدان آمدی می دانی ام
در یکی از محافل وقت سروده است.

لطفا معلومات دهید که استاد محترم این غزل را در کجا ، چه وقت و به چه مناسبت سروده است؟

پاسخ : شخصیت استاد قاسم بی نظیر است او مشاور شاه امان الله خان غازی هم بود شاگردان زیاد تربیه کرد هنوز که خورد سال بود در زمان امیر حبیب الله با پدر خود همراه بدربار شاه رفته بود غزل را در چوکات راگ خواند و مورد علاقه قرار گرفت و بعد ها مروج شد او نه تنها یک هنرمند بود بلکه مبارز برای استقلال کشور هم بود . در باره شعر حماسی اش در بالا تذکر داده شد. که در باغ چهلستون هنگام امضای برسمیت شناختن استقلال افغانستان مقابل سفیر انگلیس خواند. که داستان آن طویل است .
پرسش : از روی لطف شاگردان مکتب استاد قاسم افغان را نام بگیرید .

پاسخ : اکثریت استادان خرابات . به استثنای استاد سر آهنگ و بعضی از نوازندگان خرابات .

پرسش : اگر به تاریخچه موسیقی اصیل افغانی نظری بیندازیم در پهلوی استاد قاسم افغان، استاد غلام حسین خان و استاد نبی گل هم از چهره های درخشان هنری و استادان بزرگ و توانای دنیا موسیقی اصیل کشور ما اند. در مورد شخصیت و سبک هنری این بزرگمردان در جهت رشد و انکشاف موسیقی در کشور ما چگونه می اندیشید؟

پاسخ : فکر میکنم ضرورت به تشریح نیست شما خود از آنها به نیکویی و درست یاد کردید . استاد مرحوم سرآهنگ ممتاز ترین بود و افتخاراتی از کشور هند نصیب شد یگانه کلاسیک خوان توانا بود رساله قانون طرب را نوشت که ماخذش معارف النغمات بود . چون تعداد صفحاتش از (۱۰۰) صفحه کمتر بود میتوان آنرا رساله گفت نظر به قانون مطبوعات .

پرسش : از نظر شما موسیقی کلاسیک چگونه موسیقی است. در کشور ما نقش مثر هنرمندان به خصوص استاد سرآهنگ را در رشد و تکامل موسیقی کلاسیک چگونه ارزیابی می نماید؟

پاسخ : کلاسیک عالی ترین نوع موسیقی است هم از نظر فورم و هم از نظر محتوا . استاد سر آهنگ چنانکه در بالا تذکر داده شد یگانه بود در اجرای کلاسیک . متأسفانه حالا در کابل جاگزینش دیده نمی شود خارج کشور را اطلاع ندارم و مهمتر اینکه به جز انگشت شمار اشخاصی که از سابق درقید حیات اند شنونده ندارد چون نسل جوان بی اطلاع است . حتی جوانان آنرا پدیده کهنه و ذوق پیران یا سالخورده ها میدانند .
متأسفانه

پرسش : به نظر شما کدام تفاوت های اساسی در موسیقی کلاسیک هندوستان و غرب نهفته است؟

پاسخ : در بالا در این باره روشنی انداخته ام . بسیار تفاوت است بین موسیقی کلاسیک غرب و شرق .

پرسش : شما رقص های هندی مانند (رقص کتک، کتیاله)، رقص های مردمی کشور ما ، رقص های عربی و کشور های شرق میانه را با رقص های غربی چگونه مقایسه می نماید؟

پاسخ : جواب در این مورد به تفصیل ضرورت دارد که مشکل است مختصر گفت ، موضوع رقص های که شما تذکر دادید بنام کتک و کتیاله رقص های کلاسیک است . داستانی را تمثیل میکنند مانند رقص بلت در غرب همه اشارت معنی خاص دار کتک را تنها خانم ها و کتیاله را زن و مرد مشترکا اجرا میکند بحث جداگانه ای است که اینجا گنجایش ندارد .

پرسش : در محافل عرفانی حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی رقص و سماع جذبه ء خاصی داشته است . شما درین مورد چه نظر دارید؟

پاسخ : استعمال موسیقی در عرفان تمرکز ساختن مغز است در عبادت .

پرسش : شما در مورد موسیقی قوالی که برای همه شنوندگان دلچسپ است چه نظر دارید؟

پاسخ : به وجود آمدن قوالی یک رقابت بود بین معابد بودایی و اسلام در هندوستان .

موسیقی قوالی یک موسیقی اسلامی است که توسط چشتی های هرات انجا پایه گذاری شد . بسیار تفصیل کار دارد . و حتی تا کشور عمان هم رسیده است که روز های جمعه بعداز نماز پیشین برگزار میشود و دو نوع است . مضمون مکمل آن در صفحه فیسبوک است .

پرسش : شما موسیقی تصوفی و عرفانی را با سایر انواع موسیقی چگونه مقایسه می کنید؟

پاسخ : مختصر عرض کنم که موسیقی تصوفی از طریق تمرکز فکری رسیدن به معبود است که در اثنای عبادت مغز خالی و مبرا شود از همه تفکر و متاع دنیایی. اما موسیقی های عشقی و حماسی ضرورت به پاسخ نیست و با تصوفی فرق دارد مخصوصا در اشعارش.

در زمان امپراطور کنشکا قبل از شروع دین مقدس اسلام موسیقی تصوفی در خانقاها شروع شد حتی تا جایی رسید که تعدادی شنونده ها به انزوا رفتند. که بحث آن تفصیل زیاد کار دارد, یعنی اساس موسیقی در سرزمین ما مذهبی بوده است.

پرسش : در کشور ما تاسیس ارکستر آلات موسیقی و شکل گیری گروه های آماتور از چه وقت به بعد رونق بیشتر گرفت. کدام نوازندگان و آواز خوانان ماهر و چیره دست به خصوص چهره های ممتاز نسل جوان آن وقت در پیشبرد آن نقش بسزا داشتند؟

پاسخ : مختصرا باید عرض کنم که سال های دهه چهل و پنجاه رشد موسیقی افغانستان بود تمام ارکسترا در همین بیست سال به وجود آمد مخصوصا ارکستر (۳۸) نفری خیلی برازنده بود.

پرسش : شما در مورد نهاد های آموزش موسیقی برای نوازندگان، آواز خوانان و هنرمندان کشور چگونه می اندیشید.

پاسخ : فعلا غنیمت بزرگ تلاش های داکتر ناصر سرمست است که امید وار کننده است مکتب موسیقی را دوباره فعال ساخته. اما دولت گذشته نا توان بود و نتوانست کاری در این مورد بکند.

پرسش : حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی میفرماید:

هو الغفور ز جوش شراب می شنوم

صدای باب بهشت از رباب می شنوم

ویا :

هیچ می دانی چه میگوید رباب؟

از اشک چشم و از جگر های کباب؟

در مورد رباب و شخصیت هنری استاد محمد عمر (سلطان رباب) که بهترین، ورزیده ترین و معروفترین رباب نواز موسیقی اصیل افغانی ما است چه خاطراتی به یاد دارید؟

پاسخ: استاد محمد عمر مرحوم انسانی استثنایی بودند در رباب نوازی. جوانانی تازه ای هم ظهور کرده اند و مقبول می نوازند. اما سبک استاد را بعضی از شاگردانش دوام داده است که به پایه خودش نمی رسد. مرحوم استاد محمد عمر نو آوری در رباب ایجاد کرد لاریه های کلاسیک را به اصطلاح مردم خرابات چارتوک را در رباب به سطح بلند می نواخت.

پرسش: در مورد چهره هنری استاد اولمیر به حیث یک آوازخوان، هارمونی نواز و آهنگ ساز، استاد ذاخلیل به حیث یک آوازخوان، هارمونی نواز و آهنگ ساز و استاد هاشم به حیث یک آوازخوان، طبله نواز و آهنگ ساز چه نظر دارید؟

پاسخ: استاد اول میر یگانه غزل خوان در آهنگ های پشتو بود که گیرایی صدای بلند داشت مخصوصاً آهنگ دا زموز زیبا وطن از آهنگ های جاودان و ماندگارش خواهد بود اکثر آواز خوانان پشتو شهرت گرفتند شاگردان و پیروانش است. راگ ها و تال ها را آموخته بود و یاد داشت.

استاد هاشم در زمان خود یکی از چیره دست ترین طبله نواز های زمان خود بود شاگردان و پیروان زیادی دارد کمپوز هم می کرد و آهنگ هم می خواند. مرحوم ذاخلیل بر علاوه که نوازنده هارمونی بود آهنگ ساز هم بود و با خانم خود میرمن قمر گل زیاد کمک کرد و شهرتش را بالا برد.

پرسش: علم هارمونی و سمفونی را چگونه تعریف می نماید؟

پاسخ: هارمونی یا علم هماهنگی علم جدید نیست. در زمان فارابی و ابن سینا هم مروج بود چنانچه در آثار خویش تذکر داده اند تقریباً همزمان بودند با هوکبالد ایتالیوی پدر هارمونی که از اهل ایتالیا بود. ابن سینا هارمونی را به چهار دسته تقسیم کرده بود (تمزیج، ترکیب، تشقیق، تضعیف).

سمفونی عالی ترین موسیقی غرب است که آهنگ ساز برای شاید تا ده تا دوازده گروپ از ساز های مختلف آهنگ می سازد که از متفاوت است. بعداً آنرا هارمونی یا هماهنگ می سازد که شنونده ها آنرا یک آهنگ می شنوند. بحث بسیار تخصصی است. تعداد نوازندگان حتی بیشتر از (۳۰۰) نفر می رسد که توسط دریزور یا دایرکتر رهبری میگردد بحث آن به تفصیل بیشتر کاربرد. خودم هفته یک بار حتماً سمفونی بی بی سی را از طریق تلویزون فارسی تماشا میکنم و می شنوم.

پرسش : به تناسب موسیقی غربی ، موسیقی شرقی به خصوص موسیقی در وطن ما اکثرا آرام و غم انگیز است. به نظر شما دلیل این مطلب در چه نهفته است؟

پاسخ : گفته مشهوری است که هر سخن جایی و هر نقطه مکانی دارد. شما در بالا درباره غزل سوال کردید . اگر غزل خوان اشعار بیدل و حافظ و غیره بزرگان شعر را همراه با موسیقی بخواند که مملو از کنایات و تشبیهات و نازک خیالی های رنگارنگ اند میشود آنرا با ارکستر جاز گروهی مست با ریتم بالا خواند ؟ مفهوم شعر در لابلای نغمه ها و ضربات پرسروصدای جاز کاملا از بین می رود باید با آرامی و آرایش های صدایی ، آلب ها و هوای راگ ها خوانده شود که شنونده هم از غزل کیف ببرد و هم از موسیقی آن . همان طوریکه در محافل عروسی آنهم که گروه های هنری ما باشد یا کدام دیسکوها که جای غزل خواندن نیست باید ریتمیک و مست باشد . موسیقی کلاسیک هم قسمت های اخیر آن که بنام دروت یاد می شود بسیار مست و ریتمیک است. اما درک آن برای مردم عادی مشکل است . تفصیلی میخواهد که اینجا مناسب نیست .

اما حالات استثنای وجود دارد که بعضی آهنگ های شرقی ها به خصوص کشور ما متاثر کننده است چون در این کشور ها مایوسیت ، فقر ، محرومیت ها جنگ خشونت ظلم بیداد میکند معلوم است به گفته مشهور که گریه هم یک دل خوش میخواهد . مردم حتی از آرامی موسیقی کیف می برند چون واقعیت های زندگی خود را در لابلای آهنگ آرام خوب درک میکند.

پرسش : در مورد تداخل و آشتی دادن موسیقی غرب با موسیقی شرق چگونه می اندیشید؟

پاسخ : این موضوع مشکل نسیت اگر هنرمندان هر دو طرف بخواهند امکان پذیر است و آهسته آهسته بگوش های آشنا می شود و مورد قبول غربی ها و شرقی قرار میگیرد.

پرسش : فرق بین نوتیشن غربی و شرقی در چه است ؟

پاسخ : نوتیشن غربی بسیار پیشرفته و بین المللی است و اما نوتیشن هندی یا شرقی محدود به کشور هندوستان و بعضی کشور همجوار از جمله افغانستان . که مکمل نیست .

پرسش : لطف نموده در مورد خاطرات تلخ و شیرین زندگی هنری تان به ما قصه کنید؟

پاسخ : خاطرات هنری ام از شروع تا حالا لذت بخش بوده و خاطره بدی ندارم . اما خاطرات تلخ در امور زندگی ام زیاد است مانند همه افغانان که در طول بالا تر از سه دهه دیده اند . مشکل است از یک یک آن نام برد .

پرسش : شما به حیث یک هنرمند سابقه دار در فرا گیری علمی و مسلکی هنر موسیقی برای هنرمندان، آوازخوانان و نوازندگان داخل و خارج از وطن چه پیامی دارید؟

پاسخ : خواهش من این است که هنر مند نباید در ابتدا در فکر بدست آوردن پول باشد . وقتی خوب درخشید آنگاه پول هم برایش می آید. هنرمند آماده شود که موقع شناس باشد. در محفلی که می خواند به زودی درک کرده میتواند که شنونده در کدام سطح است . یعنی ذوق ها را شناسایی کند. موسیقی را اکادمیک بدانند و تمرین زیاد کنند . وقتی به شهرت رسید متواضع باشد از کبر و غرور جداً به دور باشد . درآموزش و یاد گرفتن محدود کفایت نه کنند و سوال کردن را کسر شان ندانند .

قیام صاحب عزیز تلاش ها و فعالیت های همه جانبه شما در عرصه کارهای مسلکی تان و در غنای علمی و شگوفایی علم و هنر موسیقی در خور ستایش و تمجید است، با مصروفیت های کاری و مسلکی تان و مشکلاتهای گوناگون که دامنگیر حال و احوال شما بود اینکه حاضر شدید به پرسشهای من پاسخ های علمی، ادبی، مسلکی و هنری ارائه نمودید، قلباً سپاسگزارم. به شما دوست گرانقدر کامیابی، سر بلندی، سر افزای و طول عمر میخوام.

تاریخ مصاحبه : چهار شنبه (۵) نومبر (۲۰۱۴) کابل .

با تقدیم ارادت و احترام : انجنیر عبدالقادر مسعود

